

■ ادامه از صفحه ۱۷

کار بزرگی بود که شهید شاطری انجام داد و مغفول مانده و دربارهاش صحبت چندانی نشده است و آن هم این است که ایشان برای قدرت فنی مهندسی ایران برندسازی کرد. یعنی جاده‌ها، بل‌ها، ساختمان و زیرساخت‌ها را در مقایسه با همه پروژه‌هایی که در لبنان اجرا می‌شدند، با کیفیت بسیار بالا و هزینه بسیار کم بازسازی می‌کرد و همه به این موضوع معترف بودند.

یک روز به من گفت که عروسی دختر یکی از همکاران لبنانی‌اش است و به من گفت بیا با هم برویم. رفتیم. جشن بزرگی بود و سر میز شام عده زیادی از آقایان لبنانی نشسته بودند. آنها شهید شاطری را از روی چهره‌اش شناختند و خیلی خوشحال شدند. همگی بالاتفاق می‌گفتند کیفیت جاده‌هایی که شما در لبنان درست کرده‌ای از کیفیت جاده‌های اروپایی اگر بالاتر نباشد، پایین‌تر نیست. لبنانی‌ها زیاد هم سفر می‌کنند و در تمام دنیا پخش هستند. بخصوص در همه جای اروپا لبنانی‌ها حضور دارند و به عینه همه جای اروپا را دیده‌اند. به شهید شاطری می‌گفتند جاده‌هایی که شما بخصوص در جنوب لبنان ساخته‌اید، از نظر زیرساخت، آسفالت، نظم و ترتیب و… به قدری باکیفیت هستند که نظیر این یک Brand شده بود. یعنی ایران قدرت مهندسی خودش را از طریق شهید شاطری نشان داد که ما چه توان مهندسی بالایی در ایران داریم که اگر توسط شرکت‌های پیمانکاری قوی هدایت بشود، کارهای بزرگی انجام می‌شوند. البته شرکت‌های قوی پیمانکاری به مناطق مختلف رفته‌اند و بسیار هم خوشنام هستند و دست‌کم در آسیای میانه که من خبیر دارم، پروژه‌های مهمی را اجرا کرده‌اند. شروع این کار در واقع با شهید شاطری بود و به دنیا نشان داد که ما در ایران قدرت مهندسی بالایی داریم. علاوه بر این، ایشان این پروژه‌ها را با هزینه‌های پایینی انجام می‌داد.

در ایران تصور می‌کنند که فقط کشور ایران در بازسازی لبنان نقش داشته و هیچ کشور دیگری نبوده است. بعد هم ایران میلیاردها دلار برداشته و برای بازسازی لبنان برده است، در حالی که اصلا این‌گونه نیست و من جداولی را هم آورده‌ام که …

■ **استدلالشان هم این است که وقتی ما خودمان این همه راه ساخته‌شده داریم، چرا رفته‌ایم ولینان را ساخته‌اید؟**

اولا ضرورتش را که گفتم که ما هر قدر لبنان را تقویت کنیم، امنیت ملی کشور خودمان تقویت می‌شود و آن هم به‌خاطر دشمنی‌هایی است که با نظام ما وجود دارد. رژیم صهیونیستی در همسایگی ما بشدت فعال است. ما می‌دانیم که اسرائیل در اقلیم کردستان عراق و همچنین در آذربایجان حضور قوی دارد و حتی در بحث ترور دانشمندان هسته‌ای ما گفته می‌شود که عوامل اسرائیل از این دو جا نفوذ کرده و ترورها را انجام داده‌اند و این اتفاقات ناگوار رخ داد. بنابراین در مورد ضرورتش با توجه به مقدمه‌ای که گفتم، هیچ شک و شبهه‌ای نباید داشته باشیم. یعنی اگر یک دلار در لبنان خرج کنیم، به اندازه هزار دلار بازسازی لبنان تقویت می‌شود. این حداقل منفعت این قضیه است.

■ **دروند بازسازی لبنان بعد از جنگ ۳۳ روزه، غیر از ایران چه کشورهایی نقش داشتند؟**

چند حالت بود. اولاً کنفرانسی تشکیل شد و یک‌سری از کشورها هرکدام مبلغی را تقبل کردند. بعضی‌ها به قولشان وفا کردند و بعضی‌ها هم اصلاً ندادند.

■ **چه کشورهایی؟**

آنهایی که پول را دادند عرض می‌کنم. عربستان، امارات، کویت، عراق، اندونزی، قطر و سلطنت‌نشین عمان.

■ **اینها چه رویکردی این کار را کردند؟ چون در فیضای کلی معلوم است که ایران چرا این کار را می‌کند، چون هم پیوندهای ایدئولوژیک وجود دارند و هم بحث امنیت ملی که شما گفتید. مثلاً عربستان به چه دلیل اصرار داشت که به لبنان کمک کند؟**

عربستان و امارات بخصوص عربستان در آن زمان، اسرائیل را تحریک می‌کرد که شما نگران جهان اسلام نباش و بزَن و حزب‌الله را ازین ببر. پیام‌هایی که به اسرائیل می‌دادند، در واقع آتش‌بیار معرکه بودند و تصورشان این بود که بساط حزب‌الله در ظرف یکی دو هفته جمع می‌شود. اما اتفاقی که افتاد این بود که اسرائیل شکست خورد، آن هم شکست متضحانه و خبر این موضوع هم که عربستان آنها را تحریک کرده، درز کرد و در تمام دنیا پخش شد و عربستان برای اینکه این اتهام را از خود دور کند، اعلام کرد که برای کمک به بازسازی آماده هستیم.

■ **یعنی به نوعی خواستند سیاست خصمانه‌شان را جبران کنند.**

می‌خواستند خیانتی را که کرده بودند تحت‌الشعاع قرار بدهند. امارات هم همین‌طور. کویتی‌ها انصافاً با نیت خیر آمده بودند. قطری‌ها هم در رقابت با عربستان آمده بودند.

■ **کویت هم برابرم جای سؤال دارد، چون**

کویت که مثل ما با شیعیان حزب‌الله پیوند ایدئولوژیک ندارد. کویت چرا می‌آید و برای بازسازی لبنان هزینه می‌کند؟

در کویت بزرگ‌ترین خطری که خاندان آل صباح را تهدید می‌کند، سلفی‌ها هستند. یک جریان قوی سلفی در کویت وجود دارد. جالب اینجاست که شیعیان کویت حامی خاندان امیر هستند. خاندان امیر همگی اهل سنت هستند، ولی خطر اصلی سلفی‌ها هستند و حتی در پارلمان هم اکثر آرم‌های سلفی‌ها بالاست. شیعیان همواره از امیر کویت حمایت کرده‌اند و البته به نفع خود شیعیان هم بوده که حکومت از آنها حمایت کند و این یک نفع دوطرفه بوده است. متأسفانه چند سالی است که امیر جدیدی روی کار آمده و همین‌طور وزیر امور خارجه تا حدودی تحت‌تأثیر بن‌سلمان قضیه فلسطین خوب بوده است. چون تنها کشوری که در حوزه خلیج‌فارس پارلمان دارد کویت است و از همان اولی که این کشور تشکیل شد، پارلمان داشت و در آن انتخابات انجام می‌شد. بنابراین کویتی‌ها از نظر مسائل سیاسی و اجتماعی یک سر و گردن بالاتر از بقیه شیخ‌نشین‌ها بودند. پس بحث کمکشان به لبنان به‌خاطر دیدگاهشان در مورد تقویت شیعیان به این معنایی است که توضیح دادم. اندونزی به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان دنیا نمی‌توانست به این قضیه توجه نکند، هر چند که فقط یک‌میلیون دلار کمک کرد و کارش در واقع سمبلیک بود و می‌خواست نقش کوچکی داشته باشد. قطری‌ها و سلطنت‌نشین عمان هم خیلی قوی وارد میدان شدند. آمارها خیلی جالب هستند. این جدولی که من آورده‌ام، جدولی است که دولت لبنان در سال ۲۰۰۹ به شکل رسمی اعلام کرده است که این کشورها این مبالغه برای بازسازی لبنان کمک کرده‌اند. عربستان ۵۲۰ میلیون دلار از همه بیشتر پول داده. صندوق رشد و توسعه اتحادیه عرب چیزی نزدیک به ۱۰ میلیون و ۳۷۰ هزار دلار. کویت ۲۰۰ میلیون دلار. امارات ۱۳ میلیون دلار. ببینید تفاوت چقدر زیاد است. عراق ۳۵ میلیون دلار. اندونزی یک میلیون دلار. قطر ۳۰۰ میلیون دلار. سلطنت‌نشین عمان ۵۰ میلیون دلار. اینها مبالغی است که این کشورها پرداخته‌اند. ولی روش‌هایشان با هم فرق می‌کرد.

■ **گفتید که عربستان ۵۲۰ میلیون دلار، قطر و کویت ۳۰۰ میلیون دلار. ایران از قطر و کویت هم کمتر بود؟**

به ایران هم اشاره خواهیم کرد. ما از طرف افراد و اشخاص به خصوص تجار شیعه هم ارقامی را داریم با هیات‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد. اینها هم روی هم نزدیک به ۴۰ میلیون دلار کمک کردند. مجموعه کمک‌هایی که به دولت لبنان شد و رسماً در اختیار این پروژه قرار گرفت، یک‌میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار است. یعنی کل بازسازی در لبنان با این مبلغ انجام شد. از این یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار تصور کنید سهم ایران چقدر باشد؟

■ **طبیعتاً ده درصد باید باشد.**

نه، خیلی کمتر. در ایران جوسازی شد که ایران میلیاردها دلار برداشته و به لبنان برده، در حالی که هزینه کل بازسازی لبنان یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار بود. ایران در این پروژه کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار هزینه کرده است.

■ **در روند بازسازی لبنان بعد از جنگ ۳۳ روزه، غیر از ایران چه کشورهایی نقش داشتند؟**

من فکر می‌کنم کمتر از این باشد، ولی حتی اگر ۶، ۵ درصد هم باشد، به نسبت پولی که آنجا هزینه شده پولی نیست.

■ **و به جای آن اعتباری بود که در لبنان به دست آمد.**

خود شهید شاطری هم در زمینه بازسازی کار بزرگی کرد. مثلاً برای جاده‌سازی نیاز به قیر و آسفالت داشتند. به جای اینکه برود و اینها را بخرند، یک شرکت قیر و آسفالت درست کرد. این شرکت علاوه بر تأمین موادی که برای بازسازی نیاز داشت، به بقیه پروژه‌ها هم مواد می‌فروخت که خودش در آمدزایی داشت. شهید شاطری در آمد حاصل از فروش قیر و آسفالت را برای بازسازی هزینه می‌کرد. تجار شیعه در کویت و منطقه خلیج‌فارس و جاهای دیگر که خیلی هم متمول بودند کمک می‌کردند. اولاً این‌طور نبود که همه پول کشورهای حوزه خلیج‌فارس قشر تحصیلکرده به آن معنا نداشتند.

■ **یعنی تنها کشوری که نیروی مهندسی برد، ما بودیم؟**

بله. هیچ کشور دیگری نیارود.

■ **آورده این کار را نظر راهبردی برای ما چه بود؟** عربستان غیر از این ۵۲۰ میلیون دلار، میلیاردها دلار در انتخابات‌های مختلف به خانواده سعد حریری کمک می‌کردند که اینها برنده بشوند. اما کسانی که مسائل لبنان را دنبال می‌کنند، می‌دانند که سعد حریری و جریان «المستقبل» نه تنها شکست کامل خوردند، بلکه ایشان خودش اعلام کرد که می‌خواهد بازتنسته سیاسی

اولویت محافظت از حرم حضرت زینب (س) بود و شهید شاطری بلافاصله مسئول آن قسمت شد و کارهای راهبردی زیادی را انجام داد. می‌دانست که باید حضور مردم در آن منطقه را حفظ کرد. جنگ شروع شده بود و خیلی‌ها مهاجرت کرده بودند. حتی اهل تسنن هم برای اینکه از شر گروه‌های سلفی و تکفیری در امان بمانند، مهاجرت کرده بودند و کسی نمانده بود. فقط یک عده جوان شیعه به طور داوطلبانه آمده بودند که از حرم محافظت کنند و کسی هم نبود که از آنها حمایت کند. ایشان که به آنجارت، راهبردش این بود که آن منطقه را تبدیل به یک پایگاه اساسی مقاومت کند. اولین کاری که کرد این بود که آوارگان شیعه در مناطق دیگر را آورد و در

اسکان داد

از صحنه سیاسی خارج شود. چرا؟ چون عربستان از اینکه او جریانات وابسته به او پول‌های عربستان را به باد دادند، بدون اینکه کوچک‌ترین نتیجه‌ای برای عربستان داشته باشد، بشدت ناراضی هستند. در مقابل، ایرانی که یک‌هزارم عربستان در لبنان هزینه کرده، الان چه دوست چه دشمن اعتراف می‌کنند که حزب‌الله حاکم است.

■ **شما سال‌ها در لبنان زندگی کرده‌اید. بعد از جنگ ۳۳ روزه واقعاً از لحاظ قدرت نرم، جایگاه ایران خیلی بالاتر از عربستان و سایر کشورهای عربستان است.**

اگر مسائل عراق و سایر مناطق را دنبال کنید، متوجه خواهید شد که در لبنان چه اتفاقی افتاده است. تقابلی که در حال حاضر بین ایران و آمریکا در عراق جریان دارد، با اینکه ما در عراق هزینه‌ای نکرده‌ایم، عراق خودش یک کشور نفت‌خیز است و درآمد خیلی زیادی هم دارد، می‌بینیم که امریکایی‌ها چقدر دارند تلاش می‌کنند که جلوی نفوذ ایران را بگیرند و با این میزان نفوذی که ایجاد شده بکاهند. در لبنان که همسایه ما هم نیست و از ما دور است و ترکیب مذهبی قومیتی آن هم با ما خیلی فرق می‌کند. مثلاً مردم عراق ۶۵ درصد شیعه هستند، ولی لبنان به کشور اقلیت‌ها شهرت دارد و شیعیان که بیشتر از همه هستند، فقط ۳۳ درصد جمعیت لبنان را تشکیل می‌دهند؛ یعنی خود شیعیان هم اقلیت هستند. جمهوری اسلامی در لبنان کاری کرده که بخش عمده شیعیان و جریانی قوی در مسیحیت، یعنی جریان میشل عون، بخشی از اهل سنت و حتی در بین دروزی‌ها، چون خود دروزی‌ها اساساً کم هستند. هم‌پیمان محور مقاومت و جمهوری اسلامی هستند. این دستاورد فوق‌العاده بزرگی است و نشان می‌دهد که هم کار نرم‌افزاری و هم بحث مقاومت و کاری که جمهوری اسلامی در مقابله با آمریکا و اسرائیل و تکفیری‌ها انجام داد، کار بزرگی بود و دارد نتایجش را نشان می‌دهد.

از کارهایی که شهید شاطری انجام داد مثال می‌زنم. ایشان جاده‌ای را بین بعلبک و حرم‌لساخت. پیش از آن جاده خرابی وجود داشت و ساعت‌ها طول می‌کشید تا بتوانید این مسافت را طی کنید که بسیار خسته‌کننده بود. شهید شاطری یک جاده بسیار درجه یک درست کرد و همین‌جاده بعدها در جنگ با تکفیری‌ها در سوریه، در منطقه قلمون و غرسانل هم در زمینه نقل و



بود و فقط حرم در آنجا وجود داشت و رُژار می‌رفتند زیارت می‌کردند و برمی‌گشتند. وقتی بحران شد، این وضعیت، حرم را در معرض خطر بسیار بالایی قرار داد. یعنی همه نگران بودند که حادثه سامرا به نحو دیگری در سوریه تکرار شود. به همین خاطر اولویت این بود که حرم حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س) و سایر اماکن مذهبی - چون در سوریه از این اماکن زیاد داریم، مسیر عبور اسرای کریلا بود و از حلب آمده پایین تا حماد و جاهای مختلف آثار آنها وجود دارد - را چگونگی می‌توان حفظ کرد. اما داوطلب محافظت از حرم حضرت زینب(س) بود و ایشان بلافاصله مسئول آن قسمت شد و کارهای راهبردی زیادی را انجام داد. می‌دانست که باید حضور مردم در آن منطقه را حفظ کرد. جنگ شروع شده بود و خیلی‌ها مهاجرت کرده بودند. حتی اهل تسنن هم برای اینکه از شر گروه‌های سلفی و تکفیری در امان بمانند، مهاجرت کرده بودند و کسی نمانده بود. فقط یک عده جوان شیعه به طور داوطلبانه آمده بودند که از حرم محافظت کنند و کسی هم نبود که از آنها حمایت کند. ایشان که به آنجا رفت، راهبردش این بود که آن منطقه را تبدیل به یک پایگاه اساسی مقاومت کند. اولین کاری که کرد این بود که آوارگان شیعه در مناطق دیگر را آورد و در منطقه سیده زینب(س) اسکان داد. اسکان اینها مستلزم فراهم آوردن نیازهای اولیه زندگی مثل آب خوردن و وسرزیجات و مواد غذایی و هر چیزی بود که موجب می‌شد برای تهیه‌اش آن منطقه را ترک کنند و به جای دیگری بروند و ایشان شخصاً متولی این کار شد و اینها را تهیه می‌کرد. ایشان یک نوع بسپنج نوجوانان و جوانان و حتی نوجوانان را از این همان آوارگانی که آمده بودند فراهم کرد. همگی روحمشان را از دست داده و دچار غم و اندوه شدید شده بودند. ایشان با اقداماتی که انجام داد، در دل افراد امید ایجاد کرد و در همان شرایط یک‌سری وسایل بازی شبیه به آنچه که در پارک‌های ما هست آورد که بچه‌های کوچک بایبند و بازی کنند. در عین حال نوجوان‌ها و جوان‌ها را جمع و با آنها کار فرهنگی می‌کرد و سرودها و شعارهای انقلابی را با آنها می‌خواند. او در این منطقه سیده زینب(س) زیرساخت‌هایی را برای رزمندگان ایجاد کرد. از جمله درمانگاه، بیمارستان، مراکز خدمات‌رسانی و حتی بُنه همسات و در دست و همه چیزها را برای محافظت حرم عزیز و منطقه تهیه کرد و در مدت کوتاهی عریز تحول بزرگی را به وجود آورد. حتی جاده منتهی به این منطقه بسیار ابتدایی و خرابه و روستایی بود و جاده اصلی به دست معارضین افتاده بود. ایشان از همین جاده با دست خالی و بدون ایجاد هزینه، تمام این کارها را انجام می‌داد. واقعاً بودجه‌ای هم وجود نداشت. کار بزرگ ایشان این بود که منطقه سیده زینب(س) را حفظ کرد.

■ **حلقه اولیه دفاع از حرم را ایشان در منطقه سیده زینب(س) ایجاد کرد؟** نه، حلقه اولیه پیش از رفتن ایشان به وجود آمده بود، ولی واقعاً داشتند با چنگ و دندان دفاع می‌کردند، اما زیرساختی برای دفاعشان وجود نداشت. هم بچه‌ها شیعه و هم مسیحی‌های سوریه آمده بودند و داشتند از آنجا دفاع می‌کردند، اما واقعاً مظلومانه دفاع می‌کردند. ایشان رفت و این حرکت را تبدیل به یک پایگاه اساسی مقاومت کرد. دیگر در آنجا نیروی ثابتی وجود داشت

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir



عکس: رضا عبور

می‌گوید که من از تمام پادگان فیلم گرفته‌ام و دقیقاً می‌دانم به چه چیزهایی نیاز است و در همین مسیر هم به پیمانکاری که در سوریه می‌شناسم زنگ زده‌ام و او هم اعلام آمادگی کرده که سریع بیاید و اینجا را بازسازی کند. یعنی یک چیز غیرقابل تصور. وقتی که اینها از پادگان بیرون می‌آیند، تمام کارها انجام شده بوده است. پیمانکار بلافاصله در روز بعد می‌آید و شروع به کاری می‌کند. واقعاً فرصت یک پادگان آموزش می‌کشید، اینها در عرض چند روز انجام دادند.

ایشان در آذرماه ۹۱ از من دعوت کرد که به منطقه ساحل بروم. آن موقع من در بیروت بودم و رفتم. کارهایی که ایشان در یک فاصله زمانی کوتاه در پادگان طرطوس انجام داده بود، واقعاً آیدینی بود. در این فاصله کوتاه یک پادگان آموزش درست کرده بود و ما سر کلاس‌هایی رفتیم که جوانان داوطلب سوری در آنجا آموزش می‌دیدند. ایشان سر کلاس می‌رفت و در حضور استاد، از داوطلبان سؤال می‌پرسید و هر کسی که جواب درست می‌داد، مبلغی که جزئی نمی‌دیدید. در اینجا هم با او می‌داد و به این ترتیب همه را سر ذوق می‌آورد و شور و نشاط فرهنگی در آنها ایجاد می‌کرد. نوحه می‌خواند، شعر می‌خواند، شعرات می‌داد و… هیچ موقعی نمی‌دیدید. در اینجا هم با اینکه در مجموع ۲۶ روزه در منطقه ساحل بودند، ولی پایه قرآن‌گاه ساحل را در اینجا گذاشتند.

اتوئیان حما حلب بسته شده بود و به دستور سردار سلیمانی باید یک جاده مترتوجه به سمت حلب گشوده می‌شد. سردار غفاری مسئول آزادسازی این جاده شده بود و دوباره از شهید شاطری درخواست می‌کند که برای کمک بیاید. سردار غفاری می‌گفت شبی که من رفتم در ساختمان آنجا هیچ چیزی وجود نداشت و من کارتنی را پهن کردم و روی آن شهید شاطری می‌گفت به چه چیزی نیاز دارید؟ گفتم ما می‌خواهیم عملیات کنیم. نه وضعیت لجستیکی و مهماتمان درست است، نه غذا داریم به نیروها بدهیم و خارصه هیچی نداریم و به همه اینها نیاز داریم. سردار غفاری می‌گفت شهید شاطری گفت هیچ نگران نباش و برگشت دمشق. می‌گفت من ۱۰ صبح این حرف را زدم و شهید شاطری در ساعت ۹ شب خودش را به من رساند و گفت همه چیز را تأمین کردم. در منطقه آشپزخانه راه انداختیم و بُنه همسات زدم. انجام چنین کارهایی در عرض ده ساعت غیرقابل تصور است، ولی واقعاً شهید شاطری توانایی‌های عجیبی داشت. عملیات شروع شد و اینها پیشروی کردند. در وسط عملیات شهید شاطری هم سردار غفاری می‌گوید که من ویزای مدینه دارم. چند روزی به من مرخصی بده که بروم حج عمره و برگردم. سردار غفاری می‌گوید ما وسط عملیات هستیم و بدون وجود شما نمی‌توانیم ادامه بدهیم. شهید شاطری می‌گوید پیس من استخاره می‌کنم. دو تا استخاره می‌کند. یکی برای رفتن به عمره و یکی برای ماندن در آنجا. در خصوص عمره استخاره می‌آید که عمل خوبی است. ولی عادی است، ولی استخاره دوم می‌گوید بسیار عالی است. قرار است کار بزرگی اتفاق بیفتد و این باعث عاقبت می‌روند و دقیق همه جا را بازرسی می‌کنند و موقعی که می‌خواهند وارد اتاق فرمانده پادگان شوند، شهید شاطری به سردار غفاری